

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مبانی تحلیل داده های کیفی

و نحوه کار با نرم افزار MAXQDA


تحقیق کیفی یک سفر تکاملی و اکتشافی است.

**من در طی سالیان کشف کرده ام که صحبت درباره ی جمع آوری
و تحلیل داده ها یک چیز است و انجام آن کاملاً چیزی دیگر است.**

(جولیت کورین ۲۰۰۸)

ویژگی های محقق کیفی

- دید جامع به دنیای اجتماعی
- علاقه به تعمیق در پدیده مورد مطالعه و تلاش و پی گیری مداوم
- کنجکاوی ذاتی
- بکارگیری تمام حواس پنج گانه و سعی در دیدن آنچه که نمی بینیم
- برگشتن به داده ها و بازنگری کردن
- خودشناسی و شناخت و دیدگاه های شخصی خود در رابطه با پدیده مورد مطالعه و براکتینگ
- داشتن مهارت های ارتباطی قوی
- خطر پذیری و توانایی کار طولانی مدت در عرصه
- پذیرش خود به عنوان ابزار تحقیق و اعتماد به خود
- تمایل به ریسک کردن
- توانایی زندگی با ابهامات

- 
- Interactive and dynamic nature (data collection and analysis)
 - Type of person, questions, where interview
 - Not clear ahead of time

مقدمه

- رویکردهای مختلف تحقیق کیفی روش‌های متنوعی برای تحلیل داده‌ها دارند حتی گاهی در یک رویکرد چندین روش تحلیل پیشنهاد شده است.

- مثلاً روش‌های متعدد تحلیل در مطالعات فنومنولوژی (ون منن-پارسی-کلایزی-دیکلمن-ژراد و....).
- اما روند تحلیل در همه رویکردهای کیفی یکسان است.

تحلیل چیست؟

- تحلیل کیفی یک فرایند احساسی و فکری **محقق محور** است. **محقق به عنوان ابزار** عمل می کند. او خود قسمتی از تحقیق است، اوست که مشاهده می کند، مصاحبه می کند، و مفسر ابعاد مختلف تحقیق است، بنابراین ابزارهای تحلیلی طرح ها و **فرایندهای فکری** محقق هستند.
- تحلیل کیفی بر اساس راه های طبیعی فکر کردن (تفکر روزمره) بنا می شود بنابراین **تحلیل، فرایند طبیعی و عام تفکر** است.

ویژگی های تحلیل کیفی

۱- تحلیل هنر و علم است.

جنبه هنری یعنی استفاده خلاقانه از ابزارها و توانایی ساخت داستانی منسجم و توضیحی از داده ها مربوط میشود.

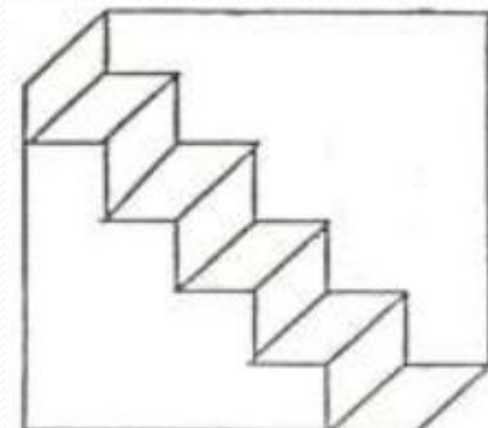
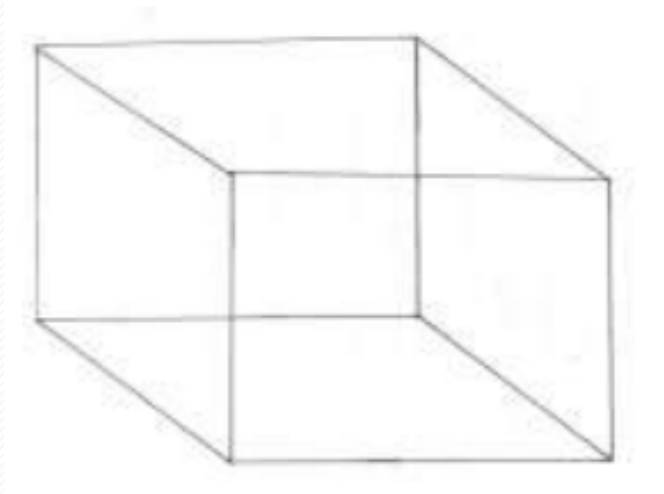
«احساس درست بودن» محقق نسبت به داستان

جنبه هنری تحلیل این است که محقق در استفاده از فرایندهای فکری باید انعطاف پذیر باشد. یعنی باید فکر کردن «خارج از چارچوب» را فرا بگیرد و مایل به قبول ریسک باشد.

محقق باید بتواند **کاه را به طلا** تبدیل کند یعنی **داده های خام** را به چیزی تبدیل کند که **درک و دانش حرفه ای** را ارتقا دهد.

داستان پردازی
خلق تئوری

What do you see in this picture?



یکی از ویژگی های تحلیل کیفی **بدهت زدایی یا آشنایی زدایی** Defamiliarising است؛ به این معنی که حتی به چیزهای عادی به صورت عمیق نگاه می کنیم.

ویژگی های تحلیل کیفی (ادامه)

۲- تحلیل شامل تفسیر است.

تفسیر مستلزم درک محقق از رویدادها به شکلی است که مشارکت کنندگان نقل می کنند. تفسیر رونوشت دقیق داده ها نیست بلکه برداشت تحلیل گر از داده هاست.

تفسیر علم دقیقی نیست، هرگز نمی تواند باشد و نباید هم چنین باشد. (تفاسیر متعدد آیات قرآن کریم) محققان مفسر عبارات، کارها و اعمال افراد دیگر هستند و نقش واسطه را بین مشارکت کنندگان و مخاطبانی را دارند که می خواهند حرفشان را به آن ها برسانند. محققان همانند هر مفسر و مترجم زبانی می دانند که انتقال معنا کار ساده ای نیست و واژه ها بسته به زبان و موقعیت، معانی مختلفی را بیان می کنند.

اما محقق باید طی تفسیر به داده ها نزدیک بماند.

ویژگی های تحلیل کیفی (ادامه)

تحلیل هرگز کاملاً تمام نمی شود و از آن جایی که محققین همواره در حال فکر کردن درباره داده هاست با دستیابی به بینش های جدید، در حال اصلاح و بازتفسیر تفاسیرشان هستند.

این بازنگری ها بخشی از فرایند کیفی است.

ویژگی های تحلیل کیفی (ادامه)

۳- بیش از یک داستان می توان از داده ها برگرفت.

داده های کیفی ذاتا از لحاظ محتوا غنی بوده و سرشار از احتمالات هستند بنابراین غیر ممکن است که بتوان گفت تنها یک داستان می توان از داده ها برگرفت.

خود مصاحبه ها از لحاظ محتوا چندان متفاوت نیستند، آنچه متفاوت است **منشوری است** که تحلیل گر از درون آن به داده ها نگاه می کند.

تحلیل گران مختلف بر جنبه های مختلفی از داده ها تمرکز می کنند و معانی متفاوتی را شناسایی می کنند. حتی تحلیل گران مختلف در مورد یک قطعه از داده ها به نتایج متفاوتی می رسند.

علاوه بر این خود تحلیل گر هم ممکن است در زمان های مختلف به داده ها به شیوه های متفاوتی نگاه کند.

- امکان استخراج معانی واحد یا استفاده یکسان همگانی از یافته های تحقیق وجود ندارد. مهم این است که هر محقق از دیدگاه خودش بتواند مناسبترین معنی را ارائه دهد.
- در واقع در تحقیقات کیفی، موثق بودن تفاسیر به توافق درباره مناسب ترین تفاسیر مربوط می شود.

ویژگی های تحلیل کیفی (ادامه)

۴- شرح زمینه جنبه ی مهمی از تحلیل است.

هنگام انجام تحلیل، **تعریف و توضیح زمینه (Context)** یا شرایطی که تحت آن رفتار یا پدیده ای رخ می دهد حائز اهمیت است. شرح زمینه احتمال تحریف معنا و سوء تعبیر ها و برداشت های غلط از مفاهیم را کاهش می دهد.

ویژگی های تحلیل کیفی (ادامه)

۵- تحلیل با جمع آوری اولین قطعه از داده ها آغاز می شود.

ایده آل این است که محقق تحلیل را پس از تکمیل نخستین مصاحبه یا مشاهده آغاز کند.

این رویکرد متوالی، به محقق امکان می دهد:

۱- **مفاهیم مرتبط** را شناسایی کند.

۲- **پرسش** های بعدی را **بازنگری** نموده و تغییر دهد.

۳- با حساسیت بیش تری گوش داده و مشاهده کند.

۴- **مانع** از این می شود که تحلیل گر در مقابل انبوه داده ها **سردرگم** شود.

Managing your data

- Coding:
- Is nothing more than assigning some sort of shorthand designation to various aspects of your data so that you can easily retrieve specific pieces of the data.
- Single words, letter, numbers, phrases, colors or combination of these.
- E.g. in a study of how HIV positive young adults made sense of their diagnosis(Courtenay, et.al. 1998): each interview was coded with pseudonym, age, sex, race, family, employment status
- Keep track of your thought, musings, speculations, hunches as you prepare your data for analysis.
- Try to transcribe your interviews yourself to generate insights about your data(memo writing)
- Safety of the data(stolen briefcases?)
- By hand, By software, Both

How to analyze data?

- Most difficult part
- Tolerance of ambiguity
- You need to do it to learn
- All QS are inductive & comparative
- Constant comparison method (by Glaser & Strauss, 1967) as the means for developing GT & widely used in QS with no theory building

Goals

- Making sense out of the data(answer the research question)
- Consolidating
- Reducing
- Interpreting what people said and what the researcher has seen and read
- The process of making meaning
- Complex process
- Moving back & forth between bits of data & abstract concepts, between inductive & deductive reasoning, between description & interpretation
- Findings can be descriptive accounts, themes, categories that cut across the data or models, theories that explain the data.
- Different analytical level(from simple description or high level abstraction)
- **Answers are categories (content analysis), themes (thematic content analysis), or theory (grounded theory)**

The step by step process of analysis

- Category construction
- 1st transcript:
 - Having conversation with the data, asking questions, making comments, potentially relevant to answering your question(coding)
 - At the beginning, be as expansive as possible(open coding)
 - Axial coding(analytical coding)(P.180)
 - Move to 2nd transcript, keep in mind the list of grouping extracted from the first transcript and repeat coding, compare, merge into one master list of concepts.
- Sorting categories and data
- Naming the categories
- How many categories?
- Becoming more theoretical

Interpretive approach

- Assumption here is that reality can be interpreted in various ways and the understanding is dependent on subjective interpretation.
- Our presumption is that a text always involves multiple meanings and there is always some degree of interpretation when approaching a text.
- This is an essential issue when discussing trustworthiness of findings in qualitative content analysis.

Manifest Vs. Latent content

- A basic issue when performing qualitative content analysis is to decide whether the analysis should focus on manifest or latent content

Latent content

- Analysis of what the text talks about deals with the relationship aspect and involves an interpretation of the underlying meaning of the text, referred to as the latent content

Manifest content

- Analysis of what the text says deals with the content aspect and describes the visible, obvious components, referred to as the manifest content.
- Both manifest and latent content deal with interpretation vary in depth and level of abstraction.

reduction

Shortening the text includes the concepts of reduction, distillation and condensation.

Reduction refers to decreasing the size.

Distillation deals with the abstracted quality of a text, which we see as a further step in the analysis process.

We prefer condensation, as it refers to a process of shortening while still preserving the core.

abstraction

- The process whereby condensed text is abstracted has been called aggregation and grouping together under higher order heading.
- We suggest abstraction, since it emphasizes descriptions and interpretations on a higher logical level.
- Examples of abstraction include the creations of codes, categories and themes on varying levels.

A category

- Creating categories is the core feature of qualitative content analysis.
- A category is a group of content that shares a commonality.
- Categories as internally homogenous and externally heterogeneous.
- Categories must be exhaustive and mutually exclusive.
- This means that no data related to the purpose should be excluded due to lack of a suitable category.
- Furthermore, no data should fall between two categories or fit into more than one category.

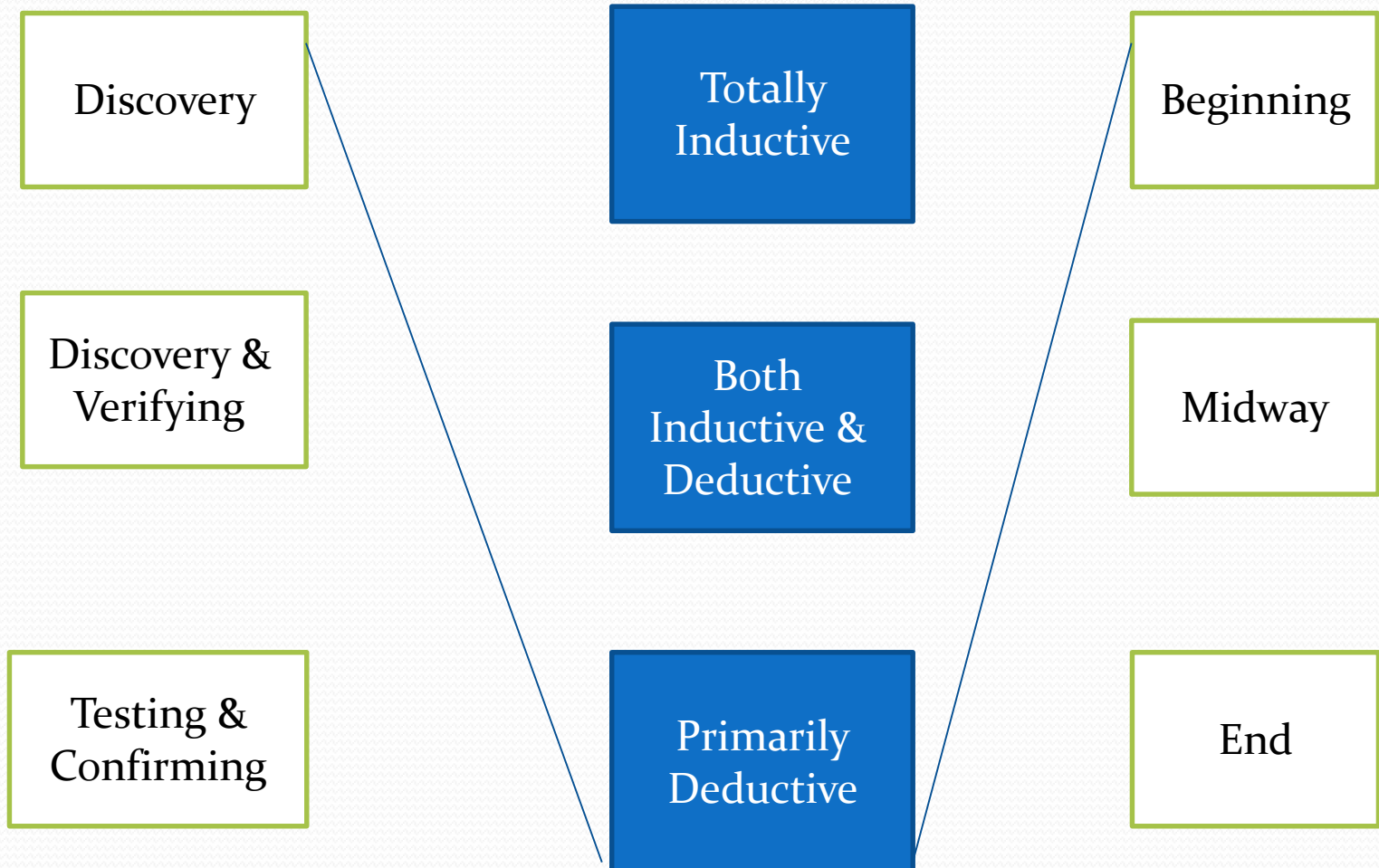
Naming category

- Intuitive (instinctive) process, also systematic and informed by the study objectives
- Name of categories are congruent with orientation of the study
- Three sources of names:
 - - yourself (researcher)
 - - the literature
 - - the participants
 - - borrowed from outside
- Categories need to be compatible with the purpose and theoretical framework of the study

Categories should be:

- Responsive to the purpose of the research
- Exhaustive (be able to place all important data in a category or subcategory)
- Mutually exclusive
- Should be sensitizing (time vs. time management)
- Should be conceptually congruent (harmonious): the same level of abstraction should characterize all categories at the same level.

Logic of data analysis



چه چیزی باید تحلیل شود؟

- گفتار
- حالات روان و رفتار
- حالت بدن و چهره
- مکث
- لحن
- تاکید
- مواردی که خیلی تکرار می شوند.

سطوح تحلیل

هنر تحلیل این است که بدانیم چه ایده هایی را دنبال کنیم، تا چه حد ایده را بسط دهیم کجا رها کنیم و چگونه توازن بین مفهوم پردازی و توصیف را رعایت کنیم.

توصیف سطحی – تفسیر نظری (خلق تئوری)

توصیف سطحی تفکر را به چالش نمی گیرد، درک جدیدی نمی دهد و چیزی را به ما نمی گوید که احتمالاً قبلاً نمی دانستیم.
اما تحلیل عمیق احتمال بیش تری دارد که **دانش جدید و درک عمیق** تر ایجاد کند زیرا فراتر از چیزی که همه می دانند می رود.

برخی پروژه های تحقیقی نیازمند تحلیل مفصل نیست. در این گونه از پروژه ها **خلاصه ای از درون مایه های اصلی** می تواند کافی باشد.

تحلیل

- زیر بنای تحلیل را مفاهیم **Concepts** تشکیل می دهند.
- مفاهیم از لحاظ **سطوح انتزاع** متفاوتند.
- مفاهیم سطح پایین همان **کد** و مفاهیم سطح بالاتر که از انتزاع بیش تری برخوردارند **طبقات** یا **درون مایه** نامیده می شوند.
- در حین تحلیل، هرچه مفاهیم **انتزاعی تر** می شوند از لحاظ قدرت بیانی قوی تر می شوند اما تا حدی خاص بودنشان را از دست می دهند(درببرگیرنده چندین مفهوم)
- اگر **هرم مفهومی** با دقت ساخته شود، مفاهیم **سطح بالاتر** بر شالوده ای محکم از مفاهیم **سطح پایین** استوار خواهند شد و مستقیماً به داده های خام باز خواهند گشت.
- در واقع همه مفاهیم بدون توجه به سطح آن ها از داده ها ناشی می شوند.

گام های تحلیل

توصیه می شود **کل مصاحبه** روی کاغذ آورده شود.

پیاده سازی انتخابی منجر به تمرکز بر تصورات و چارچوب های ذهنی محقق شده و محقق را از کشف و تولید داده های غنی و کامل بازمی دارد.

پیاده سازی توسط محقق صورت گیرد تا **غوطه وری در داده ها** اتفاق بیافتد.

نخستین قدم در هر تحلیل، خواندن مواد از ابتدا تا انتهاست. وقتی برای اولین بار خواندن را انجام می دهیم باید در برابر اضطراب نوشتن در حاشیه ها، خط کشیدن زیر آن ها و یادداشت برداشتن مقاومت کنیم.

هدف این مرحله وارد شدن به زندگی مشارکت کنندگان و احساس آنچه آن ها تجربه می کنند است.

کدگذاری

- فرایند تحلیل با **کدگذاری** شروع می شود.
- کد : لیبل یا مفهومی است که نماینده ایده های موجود در داده هاست. بنابراین کدها باید با داده ها مطابقت داشته باشند.
- کدگذاری مستلزم انتخاب واژه هایی درست است که بهترین توصیف مفهومی را برساند.
- **مصدری بودن و نزدیک به متن مصاحبه بودن مهم ترین ویژگی کد است.**
- کدگذاری خارجی **In-vitro**=مفهومی معنا داده شده توسط محقق
- کدگذاری داخلی (طبیعی) **In-vivo**=استفاده از کلمات و عبارات شفاف مشارکت کنندگان

خلق مفاهیم سطوح بالاتر (طبقات)

زمانی که کدهای اولیه کامل شد آن ها را با توجه به معنی مشترک که به پدیده مورد مطالعه مرتبط هستند دسته بندی می نمایند.

انتخاب واژه درست و مناسب که **درببرگیرنده معانی مشترک** باشد و برای بیان یک مفهوم مشترک بکار رود **نکته مهمی در انتخاب نام طبقه** است.

یکی از اشتباهات تحلیل گران در شروع تحلیل این است که موفق به افتراق سطوح مفاهیم نمی شوند. در اوایل تحلیل ممکن است اطمینان نداشته باشد که آیا مفهوم سطح پایین است یا سطح بالا

(استفاده از مفاهیم سطح بالا برای کدگذاری).

ویژگی های تم یا طبقه اصلی

- از نظر ماهیت مبتنی بر تجارب مشارکت کنندگان است و باید به زمینه برگردد.
- انتزاعی است.
- در طی یک فرایند(روند ذهنی) استخراج می شود - کشف می شود.
- باید دارای level باشد و از سطوح مختلف آمده باشد در غیر این صورت Mature نیست.
- بهتر است عبارت مصدری باشد تا یک کلمه

استراتژی‌ها یا ابزارهای تحلیل

- استفاده از سوال ها (سوال پرسیدن از داده ها)
- انجام مقایسه
- فکر کردن در مورد مفاهیم مختلف یک واژه
- تکنیک الاکلنگی
- ترسیم تجارب شخصی
- برافراشتن پرچم قرمز
- جستجو در زبان

۱- سوال پرسیدن از داده ها

در طی تحلیل توصیه می شود تحلیل گران از داده ها سوال بپرسند.
سوال پرسیدن از داده ها اساس و پایه تحلیل است و محقق را قادر می سازد تا :
 تفحص کند

پاسخ های موقت را به دست آورد

آزادانه و به دور از چارچوب ذهنی خود فکر کند

با داده ها آشنا شود

این ابزار تحلیل در تمام مراحل تحلیل از آغاز تا نوشتن گزارش نهایی به محقق کمک می کند تا از انسداد فکری رهایی یابد.

پرسیدن سوال و فکر کردن درباره دامنه پاسخ های ممکن به ما کمک می کند که مشکل را از منظر مشارکت کننده بهتر درک کنیم.

معمولا در آغاز تحلیل سوال ها از نوع باز هستند اما همچنان که تحلیل پیش می رود کانونی تر و دقیق تر می شوند.

۲- انجام مقایسه مداوم

هم چنان که محقق در روند تحلیل پیش می رود هر رویدادی در داده ها با رویدادی دیگر از نظر **تشابهات و تفاوت ها** مقایسه می شود. رویدادهایی که از نظر مفهومی با یکدیگر شبیه هستند در زیر یک مفهوم انتزاعی تر گروه بندی می شوند.

این نوع مقایسه برای تمام تحلیل ضروری است و به محقق اجازه میدهد که یک طبقه یا درون مایه را از دیگری متمایز کند.

انجام مقایسه فرایند مرتبط ساختن و ترکیب کردن طبقات را با یکدیگر تسهیل می کند.

(مقایسه مفاهیم به دسته بندی صحیح کدها کمک می کند).

اشباع نظری

مفاهیم طی تحلیل از داده‌ها مشتق می‌شوند و سوال‌های مربوط به آن مفاهیم منجر به حلقه بعدی جمع‌آوری داده‌ها می‌شود. اما محقق نمی‌تواند برای همیشه به جمع‌آوری داده‌ها ادامه دهد. جمع‌آوری داده‌ها تا رسیدن به سطح اشباع ادامه می‌یابد.

اشباع را معمولاً بر حسب ”وقتی که هیچ طبقه جدید یا درون‌مایه مناسبی ظاهر نشود” تعریف می‌کنند.

در حالت اشباع، داده جدیدی که به پژوهش وارد می‌شود طبقه بندی موجود را تغییر نمی‌دهد یا پیشنهادی برای ایجاد طبقه جدید ایجاد نمی‌کند.

رسیدن به اشباع نظری فرایندی ذهنی است و نیاز به تجربه محقق دارد. معمولاً افراد تازه کار به حجم بیش‌تری نیاز دارند. اشباع داده‌ها از طریق فرایند مقایسه مداوم به دست می‌آید.

پرش تفسیری و خاتمه زودهنگام

منظور از پرش تفسیری **برداشت زودهنگام از داده هاست** که شباهت به چیدن میوه نارس دارد.

دلیل این امر این است که محقق با یادآوری مفاهیمی که از قبل می دانسته آن را به عنوان **زمینه تحقیق** در نظر می گیرد و سعی می کند آن را به داده ها نسبت دهد (چارچوب ذهنی).

استفاده از متون در تحلیل داده ها

در تحلیل کیفی متون غیر فنی شامل روزنامه ها، نامه ها، خاطرات، گزارش ها، سرگذشت ها می توانند به عنوان **داده اولیه** به کار روند و به عنوان مکمل مصاحبه ها و مشاهدات **قابل تحلیل** هستند.

متون فنی نظیر مقالات و کارهای مشابه مفاهیم برگرفته از متون می توانند منبعی را برای انجام مقایسه با داده ها فراهم آورند و این متون **به عنوان داده به کار نمی روند**.

میزان استفاده از نقل قول

- **ارائه کوتیشنهای نماینده** به این سوال پاسخ می دهد که چگونه درباره شباهت ها و تفاوت های بین طبقات قضاوت شده است.

- در ارائه نتایج باید تم ها و طبقات اصلی را به صورت علمی توصیف کنیم و اینکه اغلب نتایج در گزارش **نقل قول** باشد درست نیست. این شیوه بیش تر در **پدیدارشناسی توصیفی** مرسوم است.

Memoing یاد آور نویسی

یادآورنویسی Memoing

- یادآورها **یادداشت های تحلیلی** مکتوب حاوی ایده ها و عقاید در مورد داده ها هستند که محقق بلافاصله پس از جمع آوری داده ها می نویسد تا ایده های درون داده ها را شرح داده و گسترش دهد.
- یادآور نویسی با اولین جلسه تحلیل شروع می شود و در سراسر فرایند تحلیل ادامه می یابد.

تفاوت یادآور با یادداشت های عرصه

- یادداشت های عرصه گزارشاتی از رویدادها و تعاملات مشاهده شده در عرصه می باشند. یادداشت های عرصه ممکن است شامل درجاتی از مفهوم پردازی و اظهارات تحلیلی باشند.
- (مثل توصیف شرایط-حالات مصاحبه شونده ضمن مصاحبه و ...)
- یادآورها طولانی تر بوده و شامل تفکراتی عمیق درباره رویدادها هستند که معمولاً به صورت مفهومی و **بعد از ترک عرصه** نوشته می شوند. یادآورها در منزل و در حین تحلیل داده ها نوشته می شوند.

برای یادداشت های عرصه هم می توان یادآور نوشت.

فواید یادآورنویسی

- یادآورنویسی محقق را به **تفکر درباره داده ها** وادار می کند و تحلیل به واسطه فکر کردن صورت می گیرد.
- اکثر پروژه های کیفی حداقل چند ماه طول می کشند. چگونه محقق می تواند تفکرات ماه های قبل خود را در مورد داده ها به یادآورد تا بتواند در تحلیل به **جمع بندی و یکپارچه سازی (ترکیب)** برسد.
- یادآورنویسی باعث پیدا کردن **ارتباط مفهومی بین طبقات** می شوند.
- محقق را بطور مستمر درگیر تحقیق نگه می دارد و **اعتبار** را افزایش میدهد.
- از آن جایی که محقق کیفی در داده ها غوطه ور است و به صورت ناخودآگاه و خودآگاه به داده ها فکر می کند آوردن تفکرات روی کاغذ برای محقق **آرامش ذهنی** ایجاد می کند و محقق را از **نشخوار های فکری** نجات می دهد.

واژه ها و مفاهیم تحلیل محتوا :

- Unit of analysis
- Content area
- Meaning unit
- Condensing
- abstracting
- Code
- Category
- Theme

واژه ها و مفاهیم تحلیل محتوا (ادامه):

- Unit of analysis: واحد تحلیل که شامل متن مصاحبه ها یا یادداشتهای می باشد.

Content area

- بخشهایی از متن که مربوط به موضوع ویژه ای است بعنوان یک content area نامیده می شود. می تواند بخشهایی از متن باشد که به یک موضوع ویژه در مصاحبه یا مشاهده اشاره می کند.

مثال:

یک مطالعه که با هدف توصیف استراتژیهای تطابق در زندگی با دیابت انجام شد.

Text به چندین content area ، دسته بندی شد:

تجربیات مربوط به شروع بیماری، مدیریت بیماری در زندگی روزانه، تجربیات مربوط به هیپوگلیسمی، خودکنترلی قند خون و ایده هایی درباره عوارض و آینده بیماری.

- **Meaning unit**: واحدهای معنایی: کلمات، عبارات یا پارگرافهایی که از نظر محتوا و context به هدف مطالعه مرتبطند.
- **Condensation** به فرایند کوتاه کردن در حالیکه که هنوز CORE محفوظ مانده است اشاره می کند. **reduction** نیز نوعی کوتاه کردن است اما چیزی در مورد کیفیت آنچه که باقی می ماند نمی گوید.
- به فرایندی که در آن متن کوتاه شده، خلاصه و چکیده می شود، **abstraction** نیز می گویند که به توصیفات و تفاسیر تاکید می کند و شامل **خلق کدها، طبقات و تمها در سطوح متفاوت انتزاع است.**

Concept های تحلیل محتوا(ادامه):

- وقتی برای یک meaning unit فشرده شده (condensed meaning unit) یک لیبل انتخاب می کنیم این لیبل همان code است. در واقع با یک کد، یک واحد معنی فشرده شده، لیبل دار می شود.
- **خلق category ویژگی منحصر بفرد یک آنالیز محتوای کیفی است.** یک طبقه یک گروه از محتواهاست که با یکدیگر یک وجه مشترک دارند.
- **طبقات باید جامع و انحصاری باشند:**
 - یعنی هیچ داده انحصاری مرتبط با هدف نباید بعلت اینکه فاقد یک طبقه مناسب است اکسلود شود.
 - علاوه بر این هیچ داده ای نباید بین دو طبقه بیفتد یا برای بیش از یک طبقه مناسب باشد. هر چند بعلت ماهیت پیچیده تجربیات انسانی خلق طبقات انحصاری در زمانی که یک متن مربوط به تجربیات انسانی است همیشه امکانپذیر نیست.

ساخت مفاهیم از داده ها (مفهوم پردازی- کدگذاری و تحلیل)

- در هنگام مفهوم پردازی (کدگذاری و تحلیل)، ابتدا داده ها را به قطعات قابل مدیریت می شکنیم (کوربین ۲۰۰۸).

- کشف ایده های موجود در آن قطعه از داده ها (تفسیر)

- کدگذاری یا دادن نام های مفهومی به آن داده ها

Concept های تحلیل محتوا(ادامه):

- یک طبقه می تواند به عنوان ریسمانی کدها را به یکدیگر متصل کند.
- یک طبقه اغلب شامل تعدادی sub-category یا sub-sub category در سطوح متفاوت انتزاع می باشد.
- زیرطبقات می توانند با یکدیگر جور شده و در داخل یک طبقه خلاصه شوند و یا یک طبقه می تواند به چندین زیرطبقه تقسیم بندی شود.

Concept های تحلیل محتوا(ادامه):

- یک theme به عنوان ریسمانی از یک معنی زمینه ای در بین واحدهای معنی فشرده شده، کدها یا طبقات بر روی یک سطح قابل تفسیر می باشد. تم می تواند بعنوان تظاهری از محتوای پنهان متن در نظر گرفته شود. تمها را نیز می توان به sub-theme تقسیم بندی کرد.